



رونق معاملات

دو سه مرتبه فرمودند اوضاع معاملات چطور است هر دفعه بيك لحنی ضمن تعظیم عرض کردیم اثری از بهبود در کار ما مشاهده نمیشود. بایان محکمی امیدواری دادند که قریباً طوری خواهد شد که فرصت سرخارندن نداشته باشید.

مانند سخن طبیعی که نتیجه مداوا را قبلاً اخبار میکند سخنان شاهنشاه در ما اثر کرد و پیوسته نبض دادوستد را در دست داشته منتظر ظهور عالم بهبود شدیم و حالاً که وضع معاملات روبه رونق میرود و داد و ستد عادی سیر صعودی طی میکند علت و معلول را مطالعه می کنیم :

سابق بر این بالا رفتن قیمت غیر منقول اغلب ساختگی بوده و چون تنظیم اسناد

خرج سنگینی نداشت برای بورس بازی صرف میکرد که فلان دلال و لوبرخسلاف واقع باثبات اسناد صوری ملکی را دوسه دست بگرداند و مردم خام طمع را برای داد و ستد تحریک کند و با این حيله پولهای عقیم افراد بیکار را از زیر زمین ولای تشک بیرئون بکشد ولی امروز سنگینی مخارج نقل و انتقال مانع از اعمال اینگونه خدعهها است و بعلت اینکه معاملات اراضی و مستغلات بجریان افتاده و مخصوصاً در راه کرج و دماوند و شهرری و عباس آباد و راه شمیران به داغی میگراید علاوه بر اینکه ثبات حکومت و افزایش اعتماد بدولت اثر دارد در تغییر خلیقات و طرز تفکرات مردم نیز اثر کرده است .

ایجاد کارخانجات و افزایش مؤسسات تولیدی و پیدایش سایر فعالیت های اقتصادی نیز در گردش کار و گرمی بازار غیر منقول مؤثر است .

همانطور که کوره سواد تعدادی از روستائیان در استقبال از تزریق واکسن و مراجعه به بهداری و پزشک و مبارزه باشبه و باموثر بوده در سطح بالاتر نیز افزایش جوانان تحصیل کرده و ارتقاء روز افزون سطح فرهنگ و دانش جامعه اثر دارد . دانش و بینش نسل جوان و توسعه ارتباط و تمتع از جرائد و مطبوعات و رادیو و تلویزیون نیز در چگونگی سایر شئون حیاتی اثر میگذارد و مسلماً یکی دیگر از عوامل موثر تغییر وضع تغییر طرز تفکر عمومی و توجه جوانان کشور بکارهای تولیدی و اساسی است

امروز علاوه بر هدایت و ارشاد هیئت مدیره خود هیئت عامله و مردم عادی کشور نیز کم و پیش خواننده و شنیده و دیده و فهمیده اند که سایرین از تولید و تکثیر محصولات و مصنوعات استفاده می کردند و متمول میشدند، و ایزانها از قلت و قحطی و کمیابی و نایابی!، آنها از تجارت و صناعت و تولید و ترویج اینها از صرافی و احتکار و تمرکز و انحصار!، در متمولین آنها کمتر رئیس و وزیر و مامور دولت پیدا میشد در متمولین ما کمتر تاجر و صنعتگر و عالم و فاضل .

اکثریت ثروتمندان آنها را تاجر و صنعتگران و کاشفین و مخترعین تشکیل میداد ولی

متمولین ماو کیل و وزیر و فرمانده و فرماندار در سطح پائین و حمال و چار و ادا بودند. آنها املاک مزروعی را در دست خرده مالک و زارعین حقیقی داشتند ما حتی خالصجات دولتی را شش دانگ ب سرمایه داران عقیم و بیکاره داده خرده مالک را از بین برده بودیم.

آنجا کاشف و مخترع، صنعتگر و آوازه خوان، موسیقی دان تاجر و فلاح سرمایه دار شده بود و در آمریکا روزولت رئیس جمهور سابق از طریق مقاله نویسی و برای وزیر امور خارجه از راه خطابه خواندن کمک معاش میگرفت ولی این جا هزاران عالم و فاضل و نقاش و موسیقی دان در فقر و مسکنت مردند و هر نادانی برای تحصیل ثروت بمقامات دولتی آویزان شد از بازرسی و داوری و محاکمات و محاسبات و کارگزینی و کارپردازی و توزیع کالا پخش کوپن زد و بند داد و ستد و از تقریب دیگران جمعی جور کرد و مردمی که دیدند متمولین ثروت زیاد را در مدت کوتاه باز حمت کم در شعاع امور عمومی و مشاغل دولتی تحصیل می کنند اغلب هدف نود و نه درصد از تیرهایی را که در کمان و ترکش داشتند کار دولتی قرار میدادند و اکثر جوانان تحصیل کرده خواب وزارت و سفارت و حکومت و پخش کوپن و توزیع کالا می دیدند و داوطلبان و جویندگان کارهای دولتی چندین برابر میزها و ماموریت های مملکتی بود و روز بروز با ادارات بی فایده و اسامی بی مسمی و عناوین بی معنی میافزودند و در نتیجه پای هر میزی یک مشغول می نشست و صد ها منتظر می خوابید و هر داوطلب یا مدعی مقامی در اعمال نفوذ و اتهام و افترا در توصیه و تشبث، در توطئه و دسیسه و اصرار و تکرار از سایرین قوی تر بنظر میرسید بعنوان حق السکوت سر کار میرفت و این خود موجب میشد که سایر مدعیان با دولت مخالفت کنند. در چنین محیطی که هر گاه بر خلاف مقتضای طبع و عناصر و عوامل صحنه یک حکومت مجاهد و اصلاح طلب مانند یک موهبت الهی از آسمان هم بیاید اگر موسی باشد با صداها فرعون و اگر محمد است با هزاران ابو جهل مواجه میشود زیرا در نظر آن همه متوقع بیکاره و و اما نده یک فرد مشغول مانند یک غاصب بیگانه تلقی میگردد خواه و ناخواه

رنود برای ربودن لقمه چرب و نرم به وسائل سیاسی و روحانی به نفوذ داخلی و خارجی به اتهام واقرا به هتاکی و فحاشی و تهدید و تطمیع و نعره و ناله و تعارف و تملق متوسل میشدند و صاحبان قدرت خدمات دولتی و مشاغل دیوانی را برای خودویاژان خویش از حکومت مرکزی بعنوان باج سبیل می خواستند ولی حالا که ورق برگشته دیگر بآن شوری نیست که گروهی از این طرق تعدیه شوند خواه و ناخواه اکثریت آنها رنگ را عوض می کنند و عقلای این اکثریت دنبال فلاح و صنعت و تجارت و تولید میروند و کسانی که سال متر فکر کرده اند از آغاز این قبیل امور را هدف خویش قرار داده و به تاسیس و تجلی نمایشگاهی که اغلب ملاحظه شد چون موئی بریسمان مدد بوده اند و این تاسیسات جدید روز افزون زمین میخورد ساختمان میخواید واحداث و گردش هر یک سود و زیانهای گوناگون دارد که انشاء الله بحکم قانون بقای انب کم کم آنها تیکه بر اساس سود جوئی شخصی و معارض حقوق و منافع عمومی باشد مقرض و مستهلك شود و آنچه در مسیر صحیح اصول ششگانه و مصالح جامعه است رشد و نمو کند.

ایرانی عاقل و باهوش است و وقتی که امنیت داشته باشد و آزادش بگذارند و در کارهای جدید تشویقش کنند کشور خود را آباد می کند، وقتی سیاست اقتصادی کشور با آزادی تجارت (نه آزادی تاجر) باشد و هیچ قانون و مقرراتی از ابتکار شخصی جلوگیری نکند و دخالت دولت در دوائر نظارت و هدایت و مشورت باشد و برای تاسیس کارخانه و استخراج معدن و احداث جنگل محدودیت و خاصه خرجی شود و بجای انحصار رقابت شرافتمندانه رایج گردد یک چنین سیاستی همانطور که بزرگوار امریکارا بوجود آورد دیگری راهم موفق میکند .



بطوریکه آقای دکتر عالیخانی وزیر اقتصاد طی نطقی در انجمن قلم اظهار داشتند اثرات تاسیس کارخانه ذوب آهن فقط با آنچه که بآن ذوب آهن گفته میشود

محدود نیست بلکه این تاسیسات دارای اثرات اقتصادی و همچنین اثرات اجتماعی بسیار وسیعی است که شاید در زمان حاضر نتوانیم با آسانی آنرا محسوم کنیم.

زیرا بر اثر ایجاد این مؤسسات و تاثیرات فرعی آن طرز تفکر مامردم مملکت در طی ده سال آینده با طرز تفکر فعلی بکلی تفاوت پیدا خواهد کرد و همچنین مسائلی که در آن زمان با آن روبرو خواهیم بود با مسائل فعلی تفاوت بسیار اساسی خواهد یافت و بعبارت دیگر در سطح مسائلی خواهد بود که کشورهای پیشرفته با آن مواجه میباشند. و در اینجا يك نمونه از اثرات فرعی تاسیس کارخانه ذوب آهن که موضوع حمل و نقل مواد خام و ساخته شده کارخانه جلب نظر میکند می بینیم که میزان حمل و نقلی که برای گردش کار تاسیسات ذوب آهن لازم است، معادل کلیه فعالیتی است که هم اکنون در بندر خره شهر صورت میگیرد زیرا در مرحله اول که کارخانه فقط با نصف ظرفیت کار میکند روزانه به ۳۵۰۰ تا ۴۰۰۰ تن سنگ آهن، پنج هزار تن زغال سنگ آهن و ۲۵۰۰ تن دینامیت و ۱۵۰۰ تن شن و ماسه احتیاج خواهیم داشت و تمام این ارقام پس از آنکه کارخانه بظرفیت نهائی خود رسید دو برابر میشود. ولی اینها فقط موادی است که وارد کارخانه میشود و هنگامی که کارخانه بتمام ظرفیت میرسد روزانه چهار هزار تن محصول از این تاسیسات بیرون خواهد آمد و باین ترتیب تخمینا میتوان گفت که در مرحله اول روزانه ده هزار تن جنس وارد کارخانه و یا از آن خارج میشود و در مرحله نهائی میزان جنسی که بکارخانه وارد و یا از آن خارج میشود روزانه به ۲۰۰۰۰ تن خواهد رسید و این رقم از کل رقم واردات و صادرات یکساله فعلی کشور بیشتر است و در واقع حدود دو برابر آن بالغ میشود.

این کار حمل و نقل فقط يك قسمت از کارهائی است که در جنب ذوب آهن ایجاد میشود. برای تاسیس این کارخانه میبایست سد بزرگی ساخته شود، هزار کیلو متر راه آهن بوجود آید، معادن بزرگ در کرمان و شمال اصفهان و خراسان تجهیز گردد، کارخانه بزرگ برق در اصفهان تاسیس شود، يك شهر شصت هزار

نقری در کنار اصفهان و چند شهر کوچک ۱۵۰۰۰ نفری در کنار معادن تاسیس گردد، يك لوله گاز که از جمله قطورترین لوله‌های گاز جهان خواهد بود در ۱۳۰۰ کیلومتر نصب شود و در کنار خط لوله يك جاده طولانی برای حفظ ارتباط بین تلمبه خانه- های کنار لوله ساخته شود و بسیاری تاسیسات دیگر چه در اصفهان و چه در شهرستان- های جنوبی، مرکزی و شرقی کشور ایجاد گردد، باین ترتیب می بینیم که يك حرکت شدید با اقتصاد مملکت وارد خواهد شد که در تاریخ اقتصادی ایران نظیر نداشته است. در واقع ایجاد تاسیسات ذوب آهن نقطه عطفی است در تاریخ اقتصادی ایران.

اینها قسمتی از اثرات مادی تاسیسات ذوب آهن است و حال آنکه بعقیده وزیر اقتصاد اثرات معنوی و اجتماعی تاسیس این کارخانه با مال نفوذی عمیق تر از اثرات مادی این تاسیسات بر جامعه ایرانی جا خواهد گذاشت و بطور خلاصه باید گفت که این تاسیسات ترس ما را از ماشین سازی خواهد ریخت و افق تازه‌ئی بروی جوانان مملکت باز خواهد کرد.

در جهان فعلی این امکان بخوبی وجود دارد که پول بدهید و فکر بخرید، یعنی میتوانیم برای حل مشکلات خود از کشورهای دیگر کارشناس بخواهیم. ولی این تسهیلات ضمناً متضمن يك خطر بزرگ هم هست و آن تنبلی فکری است و وقتی مدتی کار خرید فکر ادامه پیدا کرد مغز زنگ میزند و نمی‌تواند کار کند ولی ذوب آهن این مشکل را حل خواهد کرد

از هم اکنون مشغول تهیه مقدماتی هستند که قسمت مهمی از ماشین آلات مورد لزوم مرحله دوم کارخانه ذوب آهن یعنی مرحله افزایش ظرفیت از ۶۰۰ هزار تن به ۱/۲ میلیون تن را در داخله مملکت طراحی کنند و در تاسیسات ذوب آهن بسازیم.

طرح این ماشین آلات توسط ایرانی‌ها و طبق احتیاجات ایران تهیه خواهد

شد و سپس به‌مراه تاسیس کارخانه های ماشین سازی قدرت خلاقه متخصصین ایرانی نیز بتدریج تجلی خواهد کرد .

آقای دکتر عالیخانی سپس گفتند گاه سؤال میشود که آیا کارخانه ذوب آهن اقتصادی‌ست یا خیر؟ و بطور ساده‌تر سؤال میکنند که آیا آهن تولیدی با آهن وارداتی رقابت میکند یا خیر؟ باید بگویم که اثرات تاسیس کارخانه ذوب آهن را نمی‌بایست از آن دید مورد بررسی قرارداد. باید به بینیم که آیا کشورهای دیگر که اینک بصورت کشورهای بزرگ صنعتی درآمده‌اند هنگام تاسیس اولین کارخانه ذوب آهن چه جوابی باین سؤال که طبعاً برای ایشان نیز مطرح بوده است داده‌اند؟ مسئله اساسی آن است که بینیم چه مقدار ارزش اضافی در مملکت بوجود آمده است .

آیا نود راصد کرده‌ایم؟ اگر ماشین‌آلاتی از خارج خریداری کنیم و بوسیله آن پنبه را تبدیل به نخ نماییم محتملاً فقط ده درصد بر ارزش جنس اضافه شده ولی اگر سنگ آهن را تبدیل بمشین‌آلات کنیم ارزش یک کیلو سنگ را از یک ریال به ۴۵۰ ریال و به ۵۰۰ بالا برده‌ایم . قسمت اعظم این ارزش اضافی است که موجب ایجاد کار در مملکت میشود . هم اکنون سالانه ۵۰۰ هزار نفر بر جمعیت مملکت اضافه میشود و نمیتوان بخاطر آنکه فرضاً قیمت سیف آهن در خرمشهر ارزان تر از آهن تولیدی داخله است از ایجاد ذوب آهن که برای هزاران نفر بطور مستقیم و کار تازه فراهم میکند خودداری کنیم .

آقای دکتر عالیخانی سپس گفتند ، معذک این‌ها را برای اطمینان خاطر شما گفتم . محصول تولیدی ما بخوبی با جنس خارجی قابل رقابت است زیرا ظرفیت ذوب آهن ایران، یک ظرفیت معمولی است و نظیر این کارخانه در بسیاری از کشورهای اروپائی دیده میشود و دلیلی ندارد که قیمت محصولات آن بالا باشد .

بنا باظهار آقای وزیر اقتصاد تاسیسات ذوب آهن با شرائطی نصیب

مملکت میگردد که هیچ فشاری از لحاظ مالی و اقتصادی بمردم مملکت وارد نخواهد شد.

میگویند ما هم اکنون سالانه معادل ارزش حرارتی ۱۵ میلیون تن زغال سنگ گاز نفت را بپذیریم. این رقم اگر کارخانه ذوب آهن ایجاد نمیشد تا چند سال دیگر به ۲۵ میلیون تن میرسد. اما اینک گازها را مهار خواهیم کرد و از محل فروش آن بشوروی که فوق العاده در منطقه جنوبی قفقازیه مورد احتیاج ایشان است در ظرف ۱۵ سال در حدود ۹۵۰ میلیون دلار پول خواهیم گرفت و این مبلغ کافی است که کلیه مخارج احداث ذوب آهن - خط لوله گاز (که نصب آن بتنهائی ۴۵۰ میلیون دلار خرج بر میدارد) ساختمان سد - راه آهن جاده و غیره را مستهلك کند. معذک در آمدی که نصیب میشود فقط باین رقم محدود نمی گردد زیرا در حدود پانصد میلیون دلار نیز در داخله گاز خواهیم فروخت و از محل این در آمد نیز میتوان طرحهای دیگر را اجرا کرد.

طرح ذوب آهن و لوله گاز فقط یک قسمت از طرحهایی است که برای سالهای آینده در نظر گرفته ایم و طرح های گوناگون دیگر در دست تهیه و یا اجراست که هر یک بنوبه خود تاثیر وسیع بر وضع اقتصادی مملکت خواهد گذاشت و از آن جمله طرحهای پتروشیمی را میتوان ذکر کرد که فقط برای اجرای یکی از آنها ۱۴۰ میلیون دلار سرمایه گذاری خواهد شد.

این طرح و طرح های دیگری که در دوره برنامه چهارم اجرا میشود موجب خواهد شد که در آمد ملی در این مملکت افزایشی که فعلا شاید تصور آن مشکل باشد پیدا کند. چنانکه تجارت خارجی مملکت در سال ۱۹۸۰ معادل شصت درصد تجارت خارجی فعلی شوروی خواهد بود. قیافه مملکت در سال ۱۳۵۵ با قیافه فعلی آن تفاوتی بسیار شگرف خواهد یافت و در آن سال بطور قطع از گروه کشورهای در حال پیشرفت خارج شده و در نیمه راه بین کشورهای در حال پیشرفت و کشورهای صنعتی

خواهیم بود . طبیعی است که این چنین طرحها ممکن است جابه طلبانه محسوب شود ولی ما سعی میکنیم که طرحها را باعجله جوانی و با احتیاط سالخوردگان اجرا کنیم و در همین نسل بدون اینکه فشاری بر سیستم اقتصادی وارد سازیم ، شاهد انجام بسیاری از آرزوهای نسل فعلی باشیم »



قسمتی از مطالب مارا وزیر اقتصاد با بیانی رسا و استدلالی قوی در نطق خود گفته اند: البته وقتی ایجاد کار شد کار ایجاد داری میکند، کار سطح زندگی را ترقی میدهد و وقتی میگویند فلان کشور متمول است یعنی در آن کشور کار زیاد است و وقتی میگویند کار گر آمریکائی نسبت بکار گر ایرانی زندگی شاهانه دارد باین دلیل است که کار و کار خوب در آمریکا زیاد است .

وقتی کار زیاد شد کار گر بهتر زندگی کرد قدرت خرید افراد بالا رفت هر کارگری می تواند يك ساعت و هر خانه ای يك رادیو و هر خانواده ای اقلایکی دو اطاق داشته باشد وقتی که زیر سازی بنای اقتصادی کشور روی اصول صحیح و مطمئنی قرار گیرد بجای معاملات صوری سابق پی در پی افراد در رشته های مختلف صنعت و فلاحه و تجارت کار تازه و سود آور راه می اندازند پول و سرمایه بگردش می افتد و هر کس با اندازه احتیاج و در حدود قدرت داد و ستد میکند و معاملات غیر منقول هم با داد و ستد منقول بهتر و بیشتر بستگی و پیوستگی نشان میدهد و آزادی مایه آبادی میگردد .

این رونق نو آغاز معاملات اراضی مخلوق احتیاج و فارغ از صورت سازی و بورس بازی است و در هر نقطه ای از شعاع تهران یا شهر دیگر تاسیساتی شود قهرا اطراف آن نیز تا حدی ترقی میکنند و اگر بافق دورتری بنگریم مواعید شاهنشاه را بطور مجسم در نتایج ممکن الحصول این تحولات و تاسیسات روز افزون می بینیم و بخوبی درك می کنیم که چرا معاملات املاك و اراضی بجریان و رونق میگراید ، «فراسیون»